

معرفی مجله «پیش آهنگی ایران» که بسیاری از مسائل ورزشی را به دانش‌آموزان یاد می‌داد

پیشاهنگ نشریات ورزشی ایران



سیدمهدی سیدقطبی|تاریخ مطبوعات نشانگر ورزشی نویسی در نخستین نشریات ایران است. مطالب مربوط به اسب سواری، تیراندازی، شکار و کوهنوردی اولین موضوعات ورزشی هستند که در دوران ناصرالدین شاه و در روزنامه «وقایع اتفاقیه» چاپ شدند.

اما ورزشی نویسی به‌طور حرفه‌ای از اواخر دوره قاجار در مطبوعات پدید آمد. در واقع «تأسیس نخستین باشگاه ورزشی» ایران برای آموزش ژیمناستیک و وزنه‌برداری در

- «آماده‌باش» مجله به پیشاهنگان

مجله «پیش آهنگی ایران» به صاحب امتیازی احمد امین‌زاده و مدیرمسئولی احمد آرام در تهران تأسیس و شماره دوم آن نیز در آذرماه ۱۳۰۶ شمسی چاپ و منتشر شده است. محل اداره این نشریه که مصور بوده و در اکثر شماره‌ها بیست صفحه داشته، در تهران، خیابان پست خانه و محل فروش تک شماره آن در کتابخانه‌های گنج دانش، شرق و معرفت بوده است. وجه اشتراک سالیانه‌اش، دوازده قران بوده است، اما پیشاهنگان می‌توانسته‌اند مجله را با تخفیف ۵۰درصدی و به نصف قیمت بخرند. به همین نسبت هزینه اشتراک شش ماهه مجله، شش قران و قیمت تک شماره‌اش یک قران بوده است. شماره دوم مجله پیش آهنگی به قطع خشتی در چاپخانه خاور تهران و شماره سومش در شرکت مطبعه برق با چاپ سربی چاپ شده است.

درباره هدف نشریه برروی جلد شماره سوم آمده است؛ «پیش‌آهنگی ایران مجله‌ای است تربیتی و اجتماعی که در تکمیل روحیات محصلین و

«تربیت و تعلیم اجباری» به قلم احمد امین

بسی مایه خوشوقتی است که از دیرزمانی در زبان توده تعلیم اجباری با تأکید ی متداول گشته و هرکس عقیده‌اش بر این است که باسواد نمودن جامعه بهترین وسیله برای پیشرفت و سعادت حقیقی است.



روزنامه نگار حسین فارد

ورزشی موردپیشبنیانی و تأیید قرار می‌گیرد اما پرداختن به موضوعات ورزشی در ایران به پیش ازاین تاریخ برمی‌گردد. تیراندازی، شکار، سوارکاری و کوهنوردی از نخستین موضوع‌های ورزشی مطبوعات ایران هستند که عموماً در لایه‌لای اخبار و گزارش‌های مربوط به سفرهای ناصرالدین شاه و نیز در مطالبی از مردم در مطبوعات آن دوره به چشم می‌خورند. خبر رفتن سه نفر از شاگردان توپخانه به کوه البرز



میرمهدی ورزنده

تقویت حیات پیش آهنگی ایران می‌کوشد؛ همچنین شعار مجله به استناد جلد شماره دوم «ادبوا اولادکم بغیر ادابکم لانهم خلقوا الزمان غیرزمانکم» بوده که بالای عنوان نشریه در روی جلد درج شده است.

درباره تغییرات نشریه می‌توان به اضافه شدن نام مجله به فرانسه گفت که از شماره دوم روی جلد مجله چاپ شده است؛ همچنین از شماره سوم، «محمدصادق حسینی» مدیرمجله معرفی شده و از شماره مشترک چهارم و پنجم نیز شعار مجله به «آماده باش» تغییر یافته است.

- احمد امین‌زاده، پایه‌گذار سازمان پیشاهنگی احمد امین‌زاده پایه‌گذار سامانه و سازمان پیشاهنگی در ایران بود. اگرچه پیشاهنگی در ایران در سال ۱۲۹۸ خورشیدی از سوی سفیر اسپانیا شناسانده شد، ولی اندیشه «تشکیل نهضت پیشاهنگی» را احمد امین‌زاده در اواخر نخست‌وزیری رضاخان مطرح کرد، وزارت معارف نیز در ۱۲ آذر ۱۳۰۶ و آخربین روزهای نفس‌کشیدن سلطنت قاجارها طرح او

تاریخ، فن تربیت و علم اجتماع به عامل تربیت در پیشرفت جامعه اهمیت مخصوصی داده و تربیت را بر تعلیم مقدم دانسته است و البته مقصود توده از تعلیم فقط علم بی‌اخلاق، علم بی‌تربیت نیست؛ توده به وسیله کلمه تعلیم تربیت را نیز قصد نموده و زمامداران امور باید تربیت اجباری را به‌اندازه تعلیم اجباری اهمیت

سال ۱۲۹۶ خورشیدی باعث شد اولین خبر تخصصی ورزش ایران در همین خصوص در نشریات آن زمان منتشر شود.

چندی بعد خبر «تشکیل مجمع فوتبیل ایران» در سال ۱۲۹۹ خورشیدی در نشریات نشر یافت و از آن پس اخبار ورزشی بیشتر در جراید دیده شدند تا اینکه «قانون ورزش اجباری در مدارس جدید»، در ۱۴ شهریور ۱۳۰۶ خورشیدی در مجلس شورای ملی به تصویب رسید. هم‌زمان با اجباری شدن ورزش در همه مدارس جدید، اولین مجله ورزشی

را پذیرفت و امین‌زاده را به ریاست این سازمان برگزید. سازمان پیشاهنگی می‌کوشید نوجوانان ایرانی را با مهارت‌های گوناگون آشنا کند، از جمله نحوه اردوزدن، نکات بهداشتی، قوانین راهنمایی‌وراندگی، کاردستی، بازی و نقاشی، حرکات ورزشی، کمک‌های اولیه، سرود و آداب معاشرت، شعر، دانستن درباره طناب، قدرت طناب، انواع گره‌ها، بستن دو چوب، ساخت مهار، قایق، پل، عرابه و ساختن برج و ماکت برای کسب نشان لیاقت.

برهمین اساس مندرجات مجله‌ای که امین‌زاده تأسیس کرد نیز بیشتر امور مربوط به پیشاهنگی و مقررات آن بود.

- ارتباط مجله با ورزش

همان‌طورکه پیش‌تر گفته شد، مندرجات مجله بیشتر امور مربوط به پیشاهنگی و مقررات آن بود، اما در بین آن‌ها به نکات ورزشی نیز پرداخته شده است که البته در بیشتر مطالب از این نکات با عنوان «تربیت» یاد شده است. مطالبی چون تربیت و تعلیم اجباری به قلم

دهند و بهتر این است که به جای تعلیم و تربیت اجباری «تربیت و تعلیم اجباری» بگوییم. جامعه مقصودی جز ترقی ندارد و اختیار خود را به دست متفکرین و فضلی خود سپرده که آن‌ها نتیجه تبعات و تعمقات خود را به‌موقع عمل بگذارند و آن را از نزدیک‌ترین راه به جاده ترقی و تمدن برسانند.

پیشینه اخبار ورزشی در مطبوعات ایرانی و پیدا شدن یک گم‌شده

است در سال ۱۳۰۱ خورشیدی یک نشریه ورزشی به نام «گردان» منتشر شده است که نخستین نشریه تخصصی ورزش به‌شمار می‌رود، اما متأسفانه از این نشریه هم هیچ نسخه‌ای بایگانی نشده است و حتی در کتابخانه‌های معتبر ایران هم موجود نیست. ممکن است این نشریه ورزشی همان نظام‌نامه‌ای باشد که سال ۱۳۰۳ خورشیدی وابسته به جمعیت گردان ایران درباره ورزشکاران منتشرشده‌است. اگر نظام‌نامه‌ها را هم در زمره نشریات ورزشی به‌شمار بیاوریم، می‌توانیم به نظام‌نامه و مرام‌نامه‌ای وابسته به جمعیت مروجین ورزش در تبریز هم اشاره کنیم که در سال ۱۳۰۱ خورشیدی زیر نظر علی اصغر حکمت چاپ شده است. اگر چنین دیدی نداشته باشیم، نشریه ورزشی پیش‌آهنگی ایران به سال ۱۳۰۶ خورشیدی قدیمی‌ترین نشریه ورزشی ایران است. اگرچه این نشریه در تقویت حیات پیش‌آهنگی ایران می‌کوشید اما بخش‌هایی از بیست صفحه هر شماره آن به ورزش اختصاص داشت. در سال ۱۳۰۷ خورشیدی نیز نشریه‌ای با نام «مجله ورزش» در تهران انتشار یافته که از آن نیز نسخه‌ای باقی نمانده و فقط نامش در «فهرست‌های مطبوعات ایران» آمده است. قاسمی «مجله ورزش» را همان نشریه پرماجرای میرمهدی ورزنده می‌داند که بنا به دلایلی نامعلوم انتشارش تا سال ۱۳۰۷ خورشیدی به‌تعویق افتاده است به اعتقاد نگارنده،

احمد امین (امین‌زاده سابق)، تاریخچه تشکیلات پیشاهنگی ایران به قلم خلیل تفتی از وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، کارهای نیک پیشاهنگی که در یک ماه می‌توان انجام داد و چگونه پیشاهنگی اطفال را عملی تربیت می‌کند از شماره دوم به تاریخ آذر ۱۳۰۶ و علم اصلاح نژاد، پیشاهنگی بالاترین تربیت‌هاست به قلم محمد امین، تاریخچه تشکیلات پیشاهنگی ایران و پیشاهنگی در ایران است یا در آلسکا؟ به قلم لطفی از شماره سوم به تاریخ دی ۱۳۰۶ و قسمت جوانی، فلسفه بازی، کارهای پیشاهنگی، چگونه پیشاهنگی اطفال را عملی باری می‌آورد، تیم، برج و هرم، باسکت‌بال و مسابقه از شماره ۵ و در ذیل اطلاعات خود، به موضوعات ورزشی نیز پرداخته است.

اگرچه مجله پیش‌آهنگی ایران نقش مؤثری در آشنایی دانش‌آموزان و معلمان ایرانی با ورزش‌های روز جهان داشت، این مجله پس از انتشار شماره ۶ در فروردین ۱۳۰۷ خورشیدی، بدون هرگونه اطلاعی برای همیشه متوقف شد.



برگرفته از شماره دوم مجله «پیش‌آهنگی ایران»

تصویری کمیاب از میرزا احمدخان امین‌زاده پایه‌گذار سامانه و سازمان پیشاهنگی در ایران

باتوجه به زادگاه میرمهدی –که شبستر باشد- و برادر بزرگش که جوانی روشن و دانا بوده است، به نظر می‌رسد که میرمهدی ورزنده همان میرمهدی ماکویی باشد که سال ۱۲۹۹ خورشیدی همراه برادرش، میرمحمد ماکویی، در شهر خوی روزنامه «کارگر» را تأسیس کرده است.

بنا بر آنچه در «تاریخ جراید و مجلات ایران»، نوشته محمد صدرهاشمی آمده است، میرمحمد ماکویی صاحب امتیاز روزنامه است و «روزنامه هفتگی منتشر در خوی با چاپ سربی به مدیریت میرمهدی ماکویی در [سال] ۱۳۳۸ قمری» نشر یافته‌است. شماره دوم این روزنامه در چهار صفحه به قطع وزیری در مطبعه «سربی خوی، مطبعه ادب» چاپ و در تاریخ ۱۵ ذی‌حجه ۱۳۳۸ قمری، مطابق ۹ سنبله ۱۲۹۹ خورشیدی منتشر شده است. طرز انتشار روزنامه کارگر هفته‌ای یک مرتبه در روزهای چهارشنبه بوده است و مندرجات آن، پس از درج سرمقاله، مطالب و مقالاتی راجع به سرمایه‌داران و سوءاستفاده آنان و نیز اهمیت طبقه کارگر و همچنین حوادث و وقایع شهر خوی و تلگراف‌ها و اخبار داخلی ایران بوده‌است. به اعتقاد نگارنده، همین سابقه روزنامه‌نگاری میرمهدی ماکویی با ورزنده و پیگیری‌هایش برای اجرای ساعت ورزش است که او را وامی‌دارد در سال ۱۳۰۱ خورشیدی برای گرفتن مجوز یک نشریه تمام‌ا ورزشی اقدام کند. ایده ورزنده برای یک نشریه تمام‌ا ورزشی تا سال ۱۳۱۴ خورشیدی اجرایی نمی‌شود، البته در این سال توسط مدیر باشگاه شعاع در تهران و با سردبیری ناظرزاده کرمانی با انتشار «مجله آیین ورزش» به ثمر می‌رسد؛ مجله‌ای که این دو نفر نشری می‌دهند، اولین مجله تماماً ورزشی ایران است.

خراسان نامه

درباره مزاری خاص در قبرستان عمومی جاجرم

آرامگاه «خواجه مهزیار»



هادی دقیق|آرامگاه‌سازی، بعد از اسلام نسبت به دیگر فضا‌های معماری، با تأخیر در ایران پا گرفت و نخستین نمونه آن را می‌شود آرامگاه امیراسماعیل سامانی در بخارای شریف دانست. دلایل آن هم فراوان است. آرامگاه‌سازی به‌ویژه از دوره سلجوقی رواج یافت و حتی بعدها خیلی از فضا‌های آرامگاهی به‌شکل اقماری، بنا‌های دیگری را پیرامون خودشان شکل دادند. با وجود این، برخی مقبره‌های افراد شاخص، منفرد ساخته می‌شدند. از میان این مقبره‌ها نیز برخی خانقاه بوده‌اند که پس از درگذشت پیر خانقاه یا متولی آن، به آرامگاه تبدیل شده‌اند و برخی هم در فضای قبرستان شکل گرفته‌اند. روی هم رفته، در اطراف این‌گونه بنا‌ها قبرستان‌هایی شکل گرفته است که تعدادشان کم نیست و در سراسر ایران هم دیده می‌شوند.

یکی از این بنا‌ها که آبان ۱۳۸۵ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده است، بنایی است در شهر جاجرم استان خراسان شمالی؛ آرامگاه خواجه مهزیار درست در یکی از خروجی‌های شهر ابتدای جاده‌ای است که جاجرم را به سبزوار متصل می‌کند. آرامگاه خواجه مهزیار در فضایی سرسبز و پردرخت، چسبیده به قبرستان عمومی شهر است. طبق برخی روایات مذهبی، این بنا مدفن ابوالحسن علی بن مهزیار از بزرگان واصحاب ائمه اطهار^(ع) است. علی بن مهزیار از سوی امام‌رضا^(ع) و امام جواد^(ع) مقام نمایندگی و وکالت در نواحی جاجرم را داشته و تألیفات و کتب متعدد از وی برجای مانده است.

- یادگار ایلخانی جاجرم

اعتمادالسلطنه در «مطلع‌الشمس» نوشته است: «جاجرم دو دروازه دارد [...] دیگری شرقی است که از آن به سمت جوبین و جغتای و زمان آباد و بجنورد می‌روند و تقریباً بیش از یک میدان که از این دروازه دور شوی، قبرستان کهنه‌ای است که آثار چند بقعه در آن دیده می‌شود و دو بقعه از آن بقعه‌ها نیز باقی مانده است. یکی به‌کلی آباد که آن را مقبره علی بن مهزیار دانند و نزد عوام اهالی معروف به بقعه خواجه مهزیار است.» نویسنده پرکار دوره ناصری که درست یک ماه پیش از به قتل رسیدن سلطان صاحبقران درگذشته است، از آرامگاه خواجه مهزیار به عنوان بنایی آباد و سرپا یاد می‌کند.

متأسفانه آرامگاه خواجه مهزیار در طول تاریخ خسارات زیادی دیده است. حمله افغانه و تخریب تزیینات بنا، منتقل شدن تزییناتش به آرامگاه یارمحمدخان شادلو در بش قارداش و... فقط بخشی از روزگاری مه‌ری است که بر این بنا گذشته است. به درستی نمی‌شود سال ساخت بنا را مشخص کرد، اما ظاهر بنا و شکل معماری آن می‌گوید احتمالاً متعلق به دوره ایلخانی است. آرامگاه خواجه مهزیار، تقریباً شبیه بنای گنبد بزرگ مهرآباد در جنوب نیشابور است که از بنا‌های شاخص دوره ایلخانی است. گنبد بزرگ مهرآباد خیلی آسیب دیده و در بیشتر جا‌ها نمای بنا ویران شده و به زیرسازي رسیده است. با وجود این، مرمت گنبد بزرگ به تازگی شروع شده است و امیدواریم آن یادگار ایلخانی هم مانند همسایه‌اش، گنبد کوچک شود.



تصاویر

روزنامه از:

سازمان

کتابخانه‌ها.

موزه‌ها و مرکز

اسناد استان

قدس رضوی

- معماری آرامگاه

در «مطلع‌الشمس» همچنین آمده است: «این بقعه مربع شکل و فضای آن به اندازه ۹ ذرع در ۹ ذرع و ارتفاع گنبد آن نیز ۹ ذرع است.» همان‌گونه که اعتمادالسلطنه می‌گوید، پلان آرامگاه خواجه مهزیار یک مربع ۹ در ۹ متر است و در کل، شکل چهارطاقی دارد. ارتفاع گنبد هم ۹ متر است، به‌شکلی که ۶ متر ارتفاع بناست و ۳ متر گنبد. فضای داخلی بنا اکنون خیلی ساده است. چیزی که از داخل دیده می‌شود دیوارهایی ساده و بی‌تزیینات است. در چهار گوشه بنا فیل‌پوش یا گوشواره (نوعی گوشه‌سازی در معماری) کار شده است که بیرون‌زدگی‌شان در نمای خارجی آرامگاه، بنا‌های دوره ایلخانی را به ذهن می‌آورد. این بنا دو ورودی شرقی و غربی داشته و با وجود اینکه پیوسته مرمت می‌شده، در زمان ثبت ملی شدن شکل دیگری داشته است. ورودی شرقی بنا آن زمان هم ارتفاع بنا بوده و روی دیوار شرقی، داخل قابی مستطیل شکل درگاهی بوده که خودش درون یک طاق با مقرنس بلکانی قرار داشته است. در این بخش از بنا پس از مرمت یا بهتر است بگوییم بازسازی، یک طاق جناغی بلند ایجاد شده است که درگاه ورودی بنا زیر آن است. ورودی غربی‌ا اما مانند گذشته است، یک طاق جناغی بدون تزیین و یک در فلزی زیر آن.

مصلح استفاده‌شده در بنا، آجر و گچ و کاشی است که با ملات‌گل به هم چفت‌وبست شده‌اند. متأسفانه زمان اعتمادالسلطنه اثری اندک از کاشی‌ها در بنا دیده می‌شده و همان‌ها هم آن قدر پراکنده بوده‌اند که کتیبه‌هایشان خوانده نمی‌شده است؛ «در بالای قبر آجرهای کاشی ممتاز سبز رنگ نصب کرده‌اند و آیات شریفه قرآن به خط ثلث با گل و بوته روی آجرهای برجسته رسم شده است. اما چون افغانه این آجرها را خراب کرده‌اند، از ترتیب افتاده و آیات مبارک درست خوانده نمی‌شود.» با وجود این، در زمان ثبت ملی شدن بنا حتی همین آثار کاشی‌کاری هم تقریباً کامل از بین رفته بود و به جز چند تکه کاشی شکسته، در گزارش ثبت ملی بنا به چیز دیگری اشاره نشده است. ظاهراً این کاشی‌ها بعدها به مقبره یارمحمدخان شادلو در بش قارداش منتقل و آنجا نصب می‌شوند. اکنون این کاشی‌ها در گنجینه هنرهای اسلامی موزه ملی ایران نگهداری می‌شوند.

در کل، امروز گنبد بنا کاشی‌کاری شده و وضعیت بنا با وجود مرمت‌ها پایدار است. هرچند که دیگر از آن بنای دوره ایلخانی دور شده است. این دوری و دخل و تصرف‌های غیراصولی در بنا تا حدی است که دیوار‌های بنا که یک متر قطر داشتند، امروز یک ونیم‌متری هستند و حتی آجر نمای بنا دورنگ است و در مرمت‌های اخیر، از آجرهایی با رنگ متفاوت استفاده شده است. به این‌ها اضافه کنیم که سال‌ها پیش، این بنا زیر تیشه حفاران غیرمجاز آسیب دیده و بخشی از آجر فرش داخل بنا تخریب شده‌است. در دوره اسلامی دفن اشیاء یا اموات مجاز نبوده و حتی حرام بوده است، اما انگار جویندگان گنج دوست دارند آب در هاون بگویند و هم خودشان را خسته کنند، هم یک بنای تاریخی را از هم گسسته.